

دکتر عباس سعیدی
دانشگاه شهید بهشتی

نقد کتاب شیوایی بیان در برگردان «جغرافیای نو»

نام کتاب: جغرافیای نو

نام مؤلف: دکتر پل کلاوال

نام مترجم: دکتر سیروس سهامی

ناشر: مترجم

محل، نوبت و سال چاپ: مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۳

تعداد صفحات: ۱۶۲ صفحه (با احتساب صفحات جلد و عنوان)

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۵ تومان

شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دهه ۱۹۶۰ میلادی را می‌توان پایان دوره شکل‌گیری هسته اولیه دانش جغرافیای نوین دانست. با این حساب، آشکار می‌شود که چرا از این زمان به بعد آثار نسبتاً زیادی در باره ماهیت و علمیت جغرافیا از یک سو و بررسی توانمندیهای کاربردی آن، از سوی دیگر، نگاشته و منتشر شده است^۱. اصل مهم و بنیادین این فرایند، همانا تحوّل در گرایشهای جاری و حاکم و دیگرگونه اندیشی و شاید به عبارت بهتر، نو اندیشی در قلمرو این دانش بود. دانشی مردان این راه کسانی بودند همچون «دیوید هاروی^۲»، «پیتر هگت^۳»، «تورستن

هگرسترند^۴، «پل کلاوال» و بسیاری دیگر که با جدایی‌گزینی در شیوه تفکر و اندیشه، راه خود را از دیگرانی که در اقیانوس کم عمق دانش وسیع و بی‌انتهای خود گیج و گم بودند، جدا ساختند. این چنین بود که جنبشی پویا شکل گرفت و خیزشی بلند به سوی مرزهای نو جغرافیا پدیدار شد.

ریشه‌های این جنبش و خیزش قاعده^۵ در دو مقوله اصلی قابل جستجو است: نخست شرایط ویژه سالهای پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و طرح مسأله بازسازی عرصه‌های مختلف اقتصادی و بازرگاری در زمینه‌های گوناگون حیات اجتماعی و فرهنگی که در آن میان، بسیاری از علوم به نحوی از انحاء سهمی بر عهده داشتند. دیگر گم‌گشتگی جغرافیا و جغرافیدانان، بطور عام، در سالهای آغازین این دوره که طرح سؤال اساسی و راهگشای «جغرافیا چیست؟» را به دنبال داشت.

در واقع منظور اصلی از بحث اساسی «جغرافیا چیست؟» این بود که این علم به زبان ساده، «به چه درد می‌خورد؟» و «کارایی آن کدام است؟» این بود که برخی از جغرافیدانان در پاسخگویی مستقیم و غیرمستقیم به این پرسشها، در مباحث نظری و شیوه‌های عملی دانش خود که اتفاقاً تا آن زمان کمتر توسط خود جغرافیدانان مورد توجه قرار گرفته بود، تجدید نظر کردند. در این میان، موشکافی در نظریات «امانوئل کانت^۶»، بویژه در کتاب جغرافیای طبیعی او تا تدقیق در بحثهای «التر کریستالر^۷» و پس از او قابل ذکر و توجه است.

کتاب جغرافیای نو اثر پل کلاوال، جغرافیدان بنام فرانسوی، از همین دست آثار است که در پاسخ به پرسش ریشه‌ای «جغرافیا چیست؟» کوشیده است ریشه‌های سازنده و توانمندیهای پنهان مانده این دانش را ردیابی، شناسایی و معرفی کند. موفقیت یا ضعف پل کلاوال در این راه سهل و ممتنع در این جا مورد بحث نیست، بل آنچه که بیشتر مورد تأکید است، شناخت جنبه‌های کارآمد دانشی است که ما، دانشجویان و کارشناسان جغرافیا، حاملین آن هستیم و ضمناً در کنار این مهم، شاید پاسخ به این پرسش حاشیه‌ای خودی که چرا جامعه جغرافیدانان ایران این قدر دیر با این گونه سمت‌گیریها و کوششهای نو آشنایی یافته؟ و یا آیا واقعاً آشنایی یافته؟ آیا تسلط گرایشهای واپس‌گرایانه در دانش جغرافیا موجب این دیرکرد در انتقال علم بوده یا ساخت و بافت نارسای برنامه‌های آموزشی؟ و یا هر دو؟ و

یا علل دیگر؟ ... که هر کدام به نوبه خود جای بحث و بررسی دارد. به هر تقدیر، جای سپاس و شکر است که در چند سال اخیر کوششهای ارزشمندی توسط برخی، هر چند معدود، از جغرافیدانان کشور، از جمله مترجم محترم جغرافیای نو، در زمینه معرفی و پیشبرد جنبه‌های نوین این دانش کهن به انجام رسیده است و امید می‌رود این نهال در آینده‌ای نه چندان دور به بار نشیند.

اگر چه «پرداختن به جغرافیا» به اعصار باستان باز می‌گردد و کتاب کوچک و خواندنی جغرافیای نو نیز، با دیدگاهی اروپامدار و با اشاراتی به هرودوت و اکتشافات سده‌های شانزدهم تا هیجدهم میلادی و نقش افرادی همچون «هومبولت» و «ریتر» در پی‌ریزی بنیادهای اصلی دانش جغرافیا آغاز می‌شود^۷، اما به هیچ وجه قصد پرداختن به تاریخ علم جغرافیا را ندارد. «جغرافیای نو» در واقع می‌کوشد در کلامی مخلص، مباحث بنیادی را که جغرافیای امروز با آن درگیر است و لازم است تا هر دانشجو و کارشناس مسائل جغرافیایی با آنها آشنا باشد، لافل به وجهی موجز و شاید بهتر باشد بگوییم فهرست‌وار، بر می‌شمارد.

پل کلاوال «جغرافیای نو» را با دیباچه‌ای در معرفی دانش جغرافیا و اهمیت کتاب خود همراه با هدف‌گذاری برای آن آغاز می‌کند و در فصولی هفتگانه روشها، مبانی تئوریک، فنون، مدل‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و همچنین مطالعاتی موردی را به بحث و معرفی می‌گذارد و در پایان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از بحثهای مطرح شده خود می‌پردازد.

آنچه که امروز پیش روی جغرافیدانان است و این کتاب نیز به دنبال آن می‌باشد، دیگر نه لفاظی بر تعریف جغرافیا، آن‌طور که بعضی گرفتار آن آمده‌اند، بلکه کاربرد این علم در ایجاد نزدیکی میان فرهنگها و عدالتخواهی و جستجوی برابری است. در همین راستا، پل کلاوال در دیباچه کتاب خود می‌نویسد:

«جغرافیای نو در برخورد با مسأله نظم و عدالت و طریقی که به منظور تضمین برابری بیشتر انسانها لازم است اختیار شود، به دشواری قادر است گامی از مرحله توضیح و پیش‌بینی فراتر نهد و به مرحله استقرار هنجارها و معیارهای عملی برسد.^۸»

همو به دنبال این بحث، شگفتی خود را از ناتوانی جغرافیدانان جوان در پاسخگویی

به اشتیاق در کاربرد جنبه‌های عملی و کاربردی علم خود بیان می‌دارد^۹، حال آنکه «استقرار هنجارها» و «پاسخگویی به اشتیاق موجود»، خود به لحاظ این قلم دو جنبه اساسی دارد که دو وظیفه بزرگ را در برابر جغرافیدانان (بطور عام) قرار می‌دهد: نخست «گریز از نگرشهای کهنه به دنیای نو، بدون آنکه «درس از تاریخ» را فراموش کنیم و دیگر ملحوظ داشتن نقش مراجع تصمیم‌گیری در سطوح گوناگون (که بعضاً مستقل از ایدئولوژی ایفا می‌شود و کوشش در جهت تعدیل، جهت‌دهی و نهایتاً نوعی «هدایت» از طریق بررسیهای موردی موجه و سرانجام روشنگری علمی و اطلاع‌رسانی به جامعه. این جاست که مبانی جغرافیای درگیر^{۱۰} مورد نظر است. پل‌کلاوال ظاهراً کوشیده است تا نشان دهد جغرافیدانان از طریق دانش خود عمده در جستجوی عوامل شکل‌دهنده، به پدیده‌هایی می‌پردازند که به صورت نابرابریهای فضایی و اجتماعی - اقتصادی تجلی می‌یابند و این همه را با هدف کوشش در جهت استقرار برابریها بیان می‌دارند. براین اساس «وظیفه جغرافیدان روشنگری علمی است و ارائه طریقی به منظور گریز و خروج از نابرابریهای موجود و بنابراین درگیر با مسائل مبتلا به جامعه». این مهم در غالب فصول «جغرافیای نو» موج می‌زند.

البته باید گفت کتاب جغرافیای نو قاعده برای «غیر جغرافیدانان» نگاشته شده است، چنان که کلاوال خود ضمن اشاره به این نکته، هدف از تألیف این کتاب را چنین برمی‌شمارد: «کتاب حاضر چنانچه موفق شود امکان درک آنچه را که جغرافیای نو می‌تواند و می‌باید برای غیر جغرافیدانان به ارمغان آورد، فراهم کند، هر آینه به اهداف مورد نظر خود دست یافته است.»^{۱۱}

گذشته از این، چاپ متن اصلی و اولیه «جغرافیای نو» البته با استناد به شهادت منابع آن، لااقل باید به حدود ۲۰ سال پیش بازگردد. اما کهنگی چاپ متن اصلی کتاب همیشه دلیل کهنگی مطالب و محتوای آن نیست. چه بسیار کهنه که تازگی و شادابی خود را تا مدت‌ها - لااقل تا زمانی که نیاز جامعه به آن برآورده نشده - حفظ می‌کنند و چه بسیار نو که ... به هر تقدیر، به لحاظ این قلم، کتاب «جغرافیای نو» در نوع خود بی‌بدیل است. این کتاب نه تنها منبع اطلاعاتی معتبری در باره دانش امروزی جغرافیا در اختیار غیر جغرافیدانان قرار می‌دهد، بلکه ضمناً موارد و جنبه‌های متعددی را لااقل در حد «طرح» بیان می‌دارد که توجه و تدقیق

در آنها برای جغرافیدانان - بویژه جغرافیدانان جوان کشور ما - از الزامات اساسی است.^{۱۲} راستی را چه باک اگر سؤال شود، جغرافیدانان کشور ما تا چه حد با تحولات حاصله در دانش خود از اواخر دهه ۱۹۶۰ به این سو آشنایی دارند؟ خواندن این کتاب و کتابهایی از این دست، مسلماً تا حد قابل توجهی می‌تواند و باید، «خلاء» احتمالی را پر سازد.

از ویژگیهای بارز کتاب کلاوال «درگیر» بودن مطالب آن با مسائل جاری و حاکم بر نظامهای مکانی - فضایی است. مسائلی مانند فرد و جامعه در فضا، ارتباطات و تکنولوژی، حفظ محیط، فضای حاصل از فعالیتهای اقتصادی، مدل‌های اجتماعی - سیاسی، شهر و روستا، قابلیت‌های ناحیه‌ای، ساماندهی فضایی سرزمین و مانند آن. اگر به آنچه که او در آغاز و انجام کتاب خود نگاشته است، بدقت نظر کنیم، این نکته را بهتر در خواهیم یافت. کلاوال در دیباچه کتاب خود می‌نویسد:

«کسی که از توسعه نابرابر اقتصادی، از رشد دوار برانگیز شهرهای بزرگ و از بروز تباهی و انحطاط در شرایط زیست این سیاره، گرفتار نگرانی و وا همه است، البته از پرداختن به جغرافیای نو، فوایدی بسیار نصیب خود می‌کند».^{۱۳}

و در عبارت پایانی کتاب خود با توجه به نحوه عملکرد نظامهای اجتماعی مختلف و برداشتهای گوناگون جاری از کاربرد فضا می‌نویسد:

«بدیهی است که جغرافیا از کنار این منازعه بی‌اعتنا نمی‌گذرد».^{۱۴}

بدینسان، سمت‌گیری کتاب به عنوان منبعی اطلاعاتی و خواندنی، آشکار می‌شود. از سوی دیگر، ویژگی برجسته برگردان فارسی «جغرافیای نو» این است که به قلمی توانمند، جستجوگر و مشرف بر چهار چوبهای امروزی دانش جغرافیا به انجام رسیده است. بطوری که به نظر می‌رسد، اگر ارزش این ترجمه را همسنگ تألیف اصل کتاب بدانیم. اغراق نکرده باشیم مترجم محترم ضمن کوشش در برگردان دقیق نظرات و مفاهیم مورد توجه نویسنده کتاب، توانمندی زبان فارسی را در انتقال مقولات علمی به نمایش گذاشته است و این کار خطیر دیگری است که او استادانه بر عهده گرفته و بخوبی و با بیانی شیوا از پس آن برآمده است.

صفحات ترجمه فارسی کتاب مملو است از عبارت، ترکیبات و مصادر تازه و گویا و حتی شاید بتوان گفت زیبا که در کنار بهره‌گیری از گنجینه واژگان پارسی، بسیاری از آنها

حاصل تلاش اندیشه مترجم است. برای تأیید این نظر البته باید به اصل برگردان فارسی کتاب مراجعه کرد، اما عبارات و ترکیباتی مانند: عرصه مضمونی یگانه و بی نظیر، نظم علمی، جایگزین ناپذیر، چارچوبهای تنگ جهان سنتی، ضرب آهنگ (در صفحه ۱۰) روال تند و تب آلود تمدنهای پیشرفته (در صفحه ۱۱)، طرحی نو در انداختن (وام گرفته از شیخ شیراز؟)، نوزایی، ساز و کار (به جای مکانیسم؟)، تبار خجسته، باژگونی در چشم اندازها، بذر اندیشه های نو (در صفحه ۱۲) جوشش فکری، جوانه نو دمیده از یکی از کهن ریشه ترین شاخه های معرفت بشری (در صفحه ۱۳) و فرهنگ پذیری، شالوده ریزی (در صفحه ۷۰). همچنین مصادر مرکب گویا و زیبا (مسئلاً از توانمندیها و نشانه های غنای زبان فارسی که در سالها و شاید سده های اخیر کمتر مورد بهره پارسوی گویان و پارسوی نویسان بوده است) مانند، رو به شکوفایی نهادن، بارور شدن، رو به گسترش نهادن، به کار آمدن (در صفحه ۱۲) و یا باندن، واگذارن، برافراختن، به مبارزه برخاستن، به همراه داشتن (در صفحه ۱۰) که همگی از مصادیق استادی مترجم در کاربرد زبان فارسی است. به این ترتیب، مترجم محترم کوشیده است، تا ضمن بکارگیری این گونه توانمندیهای زبانی در بیان مطالب بعضاً پیچیده علمی، برابر نهادهایی دقیق و سنجیده نیز برای بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات بیگانه طراحی کند. علاوه بر این، پانوشتهای کتاب که همگی از مترجم است، عموماً راهگشای فهم بهتر مطالب متن اصلی است.

از آن جا که «جغرافیای نو» بیشتر توسط دانشجویان مطالعه می شود، قاعده بایستی برگردان و انتقال مطالب آن به صور گوناگون و تا حد امکان هر چه ساده تر به انجام می رسد که این مهم در مجموع بدرستی صورت پذیرفته است. اما با همه کوشش به کار رفته، برخی جمله ها بسیار طولانی شده است. مانند جمله های صفحه ۶۱، سطر ۲۰ به بعد، صفحه ۱۵۵، سطر ۲۴ به بعد، صفحه ۱۴۶، سطر ۱۵ به بعد، صفحه ۱۴۷، سطر ۵ به بعد و ... حال آن که مترجم توانای کتاب بسادگی می توانست این گونه جملات را نیز در چند جمله یا عبارت کوتاهتر «بشکند». همچنین، با وجود غلظت نامه کوتاه ضمیمه، پاره ای اغلاط معدود، البته لابد به منظور حفظ سنت چاپ، به متن کتاب راه یافته که از آن جمله اند: نام هگرسترند که به صورتهای تراستن هاگرستراند (ص ۲۲) و تورستن هاگرستراند (ص ۱۰۷) آمده، یا

تاریخ تولد و فوت و التکررستانلر در زیرنویس صفحه ۱۱، یا شکل ۷ (ص ۱۰۸) که شبکه دارای مرکز، یا مرکزیت دارای سائترال آمده است یا لفظ Continuum که با حرف G آغاز شده، زیرنویس صفحه ۱۱۲، که باید گفت، با این وجود، حسن دیگر این کتاب ناچیز بودن نسبی این گونه نارسائیهاست.

کتاب جغرافیای نو با طراحی مناسب صفحات و فصول، حروفچینی و تجلید خوب که مطالعه آن را برای دانشجویان و کارشناسان آسانتر ساخته است در دسترس فارسی زبانان قرار گرفته است، مطالعه این کتاب به عنوان منبعی اطلاعاتی و بویژه کتابی درسی، توصیه می شود. در پایان باید گفت، گرچه بحث از مقولات علمی، پیچیدگیهای خاص خود را دارد و زبان منطقی و معقولی را می طلبد که فهم و درک آن بعضاً برای همگان ممکن نیست، اما آن جا که اشراف به زبان و شیوایی قلم دستمایه عالم قرار می گیرد، آن پیچیدگیها به زلال و روانی بدل می شود. البته این کار کارستان از هر کسی بر نمی آید و این مهم تنها هنگامی تحقیق می یابد که ذوق و دانش در هم آمیزد.

اکنون به عنوان حاملین دانش جغرافیا، اگر بنا داریم خود و دانش خود را جدی بگیریم تا جامعه و دیگر کارشناسان نیز به نوبه خود، جدیمان بگیرند و در این راه، دانشی درگیر و چاره جو عرضه بداریم باید این گونه دستمایه ها و دانشی مردان حامل آن را عزیز و محترم بداریم تا رستگاری علمی بیابیم. مترجم «جغرافیای نو» مسلماً از این دست دانشی مردان است، بیش باد و بیشتر.

یادداشتها:

- ۱- از میان این گونه آثار، کتابهای زیر محتوایی پر دامنه و جمع بندی شده از روند تحولات مورد نظر دارد:
- Haggett, P. and Chorley, R.J. (eds):
- a) Frontiers in Geographical Teaching, London, 1965.
- b) Models in Geography, London, 1967.
- Chorley, R.J.(Ed): Directions in Geography, London, 1943.

۲- «هاروی» مقالات متعددی در زمینه های نظری و ضرورت نظریه در جغرافیا نوشته است، کتاب زیر مشهورترین اثر او به شمار می رود:

- Harvey, D.: Explanation in Geography, London, 1969 .

۳- «هگت» از جغرافیدانان پر آوازه، پرکار و نظریه پرداز است. معروفترین و معتبرترین اثر او کتاب «تحلیل مکانی در جغرافیای انسانی» با مشخصات زیر است:

Haggett, p.: Locational Analysis in Human Geography, London, 1965.

ضمناً کتاب یک جلدی او با عنوان «جغرافیا، سنتری نوین» در دو جلد به فارسی ترجمه شده که جلد اول آن اخیراً توسط «سمت» تحت عنوان «جغرافیا، ترکیبی نو» انتشار یافته است.

۴- معروفترین اثر هگرتزند، کتاب زیر است:

- Hägerstrand, T.: Innovation Diffusion as a Spatial Process. Chicago, 1968.

۵- گرچه فارسی زبانان امائوئل کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴) آلمانی را بیشتر به عنوان فیلسوفی مشهور می شناسند. اما او جغرافیدان مهمی نیز به شمار می آید کانت از اولین استادان آلمانی به شمار می رود که با تدریس جغرافیا کوشش داشتند این دانش را به عنوان رشته ای علمی در میان شاخه های مختلف علوم جای دهند. او در طی حدود پنجاه سال کار و اندیشه نه تنها به جمع بندی دانسته های زمان در باره جغرافیا پرداخت، بلکه بنیادهای نظری حاکم بر آن را نیز مورد و ارسی و ارزیابی مجدد قرار داد و در این باره نظریات نوی عرضه داشت. مشهورترین اثر او در این زمینه «جغرافیای طبیعی» است. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به:

- Kant, I.: Gesammelte Werke, 8 Bde, Leipzig, 1867-1868 .

۶- در واقع بیش از ۶۰ سال از انتشار کتاب بنیادی جغرافیدان آلمانی، والتر کریستالر می گذرد؛ کتابی که در سطح جهانی مرتباً مورد استفاده و ارجاع کارشناسان برنامه ریزی و مطالعات منطقه ای بوده است، بدون آن که وسیعاً و بدرستی مورد مطالعه قرار گرفته باشد! او در آن زمان به انگیزه درسهای استاد خود «روبرت گرادمان» و با تأکید بر مطالعات «یوهان فن تونن»، «ادناویر»، «ورنر زومبارت»، «آلفرد ویر» و «ماکس ویر» دست به شناسایی مکانهای مرکزی در جنوب آلمان زد تا ضمن «فراهم آوردن زمینه های نظری - اقتصادی لازم برای طبقه بندی منطقی سیاسی - اداری» به «قانونمندیهای جغرافیایی - اقتصادی حاکم بر تعداد، وسعت و پراکندگی سکونتگاههای شهری» دست یابد.

۷- نگاه کنید به دیباچه کتاب .

۸- همان، ص ۱۴.

۹- همان جا.

10- Engaged Geography.

۱۱- صفحه ۱۴ کتاب.

۱۲- از آن جا که این کتاب عمده به ماهیت دانش جغرافیا می پردازد و بخوبی در حوصله ۲ واحد درسی می گنجد، می تواند منبع ارزشمندی برای درس «مبانی علم جغرافیا» به شمار آید.

۱۳- نگاه کنید به دیباچه کتاب.

۱۴- صفحه ۱۵۹ کتاب.